

رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی

زهرا مرتضوی^۱

مجتبی امیری مجد^{*۲}

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش‌آموزان دبستانی دختر و پسر در سال تحصیلی ۹۷_۱۳۹۶ و نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان شهر تهران که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-ffi-60) مک کرا و کاستا (۱۹۸۷)، پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری توسط باومریند (۱۹۷۲) و پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) بود. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ضریب همبستگی ساده پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با رویکرد سلسله‌مراتبی استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که، از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل‌گیرانه به صورت مثبت و سبک دموکراتیک به صورت منفی پرخاشگری کودکان دبستانی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران، روان‌رنجور خوبی به صورت مثبت و برون‌گرایی و توافق‌پذیری به صورت منفی پرخاشگری کودکان دبستانی را پیش‌بینی می‌کند.

کلمات کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های فرزند پروری، پرخاشگری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوبین‌زهرا، گروه روان‌شناسی، بوبین‌زهرا، ایران.

*۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، گروه روان‌شناسی، ابهر، ایران. نویسنده مسئول: Amirimajd@abhariau.ac.ir

مقدمه

شخصیت^۱ را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روانشناسی دانست، زیرا محورهای اساسی بحث شخصیت در زمینه‌هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، احساسات و عواطف است. مفهوم اصلی و اولیه شخصیت تصویری صوری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند ترسیم می‌شود، یعنی در واقع فرد به اجتماع خود شخصیتی ارائه می‌دهد که جامعه بر اساس آن، او را ارزیابی می‌کند (کریستوفورو^۲ همکاران، ۲۰۱۱).

روانشناسانی که در زمینه شخصیت صاحب‌نظرند بر این باور هستند که تفاوت‌های فردی را می‌توان بر پایه ویژگی‌های نسبتاً پایدار شخصیت که توسط خود فرد گزارش می‌شود، اندازه‌گیری نمود، علیرغم اینکه هر انسان در نوع خود رویدادی منحصر به فرد است، بین انسان‌ها و رویدادهای زندگی آن‌ها، آن‌قدر شباهت وجود دارد که بتوان نکات مشترکی را در نظر گرفت و روانشناسان شخصیت دقیقاً در پی درک همین الگوهای رفتار هستند (همتی، ۱۳۹۱). در عصری که ابزار غلبه بر دیگران و تخلیه خشم، از اسید و سلاح سرد و گرم به سلاح هسته‌ای رسیده است، رشد حتی یک فرد پرخاشگر، که قادر به همدلی با انسان‌ها و درک ارزش‌های انسانی نیست، می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. علی‌رغم تدابیر موجود، میزان خشونت در جامعه سیری فزاینده دارد. هر روز، شاهد بروز خشونت در خانه، کوچه، بازار، و مدرسه هستیم و یا اخباری در مورد آن می‌شنویم و حتی بسیاری از مردم، در زندگی روزمره خود، بارها خشونت را حس می‌کنند. این‌ها دلایل کافی برای نگرانی والدین و مسئولان آموزشی و اجتماعی، از شیوع و رواج خشونت در میان کودکان، است. همه‌ساله تعداد چشمگیری از افراد کم سن و سال، قربانی و یا درگیر خشونت‌های میان فردی می‌شوند. این خشونت‌ها نه تنها از سوی افراد بزرگسال بر کودکان اعمال می‌شود، بلکه در بسیاری موارد در میان خود کودکان و نوجوانان رخ می‌دهد و آسیب‌های فراوان جسمی و روحی را بر فرد وارد می‌کند که تأثیرات آن تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. (داهلبرگ، ۱۹۹۸).

خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. نوع برخوردهای خانواده با خواسته‌ها، نیازها و توانایی‌های فکری فرزندان عاملی اثربخش بر رشد و آینده فرزندان است و مهارت‌های مختلف اجتماعی و فردی در ابتدا از روابط مستقیم و تعامل دوطرفه کودک و مراقبین خواهد بود (کالینز و همکاران، ۲۰۰۰). سبک‌های تربیتی متفاوت پیامدهای متفاوتی بر فرزندان دارد. روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان متوجه شدند که شیوه‌های فرزند پروری بر ساختار رشد ذهنی و عقلی کودک، پیشرفت تحصیلی و بسیاری از جنبه‌های روان‌شناختی از جمله سبک تفکر فرزندان، سازگاری اجتماعی، مشکلات رفتاری نوجوانان مانند پرخاشگری روی آوردن به مواد مخدر و الکل و خود ارزشی مثبت و

1 Personality

2 Christoforou

احساس موفقیت در کارها تأثیر فراوانی دارد (بالانتین، ۲۰۰۱). هدف تعلیم و تربیت چیزی جز تفکر نیست و در این بین تفکر بخشی از یادگیری است که با رشد افراد در ارتباط است و در نهایت به رشد جامعه کمک می‌کند. امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکردهای اساسی تعلیم و تربیت است (شریعتمداری، ۱۳۸۰). استرنبرگ (۱۹۴۵)، بیان می‌کند که سبک در تفکر، روش‌های ترجیحی برای استفاده از توانایی‌های شناختی هستند این سبک‌ها نشان می‌دهد که چگونه افراد دوست دارند توانایی‌های خویش را در زندگی روزمره به کار بگیرند. تحقیقات نشان می‌دهد که عدم تفکر صحیح در نوجوانان باعث بروز مشکلات مهم اجتماعی، فرهنگی و جسمی می‌شود.

پرخاشگری یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان ویکی از دلایل مهم ارجاع دادن آنان به روان‌درمانگران است (سرخودسکی^۱، کاسینوف^۲ و گرمین^۳، ۲۰۰۴). شناخت این مشکل نزد کودکان خردسال و مداخله به هنگام می‌تواند از ادامه این رفتار پیشگیری کند (گودوین^۴، پیسی^۵، گریس^۶، ۲۰۰۳). سال‌هاست که پژوهشگران به اهمیت پرخاشگری دوران کودکی در پیش‌بینی مشکلات سازگاری و روانی _ اجتماعی آینده آن‌ها پی برده‌اند. پرخاشگری از جمله مشکلات رفتاری است که اگر به‌صورت افراطی درآید، بسیاری از مشکلات ارتباطی و اختلال‌های شخصیتی را موجب می‌شوند (همل^۷، ۲۰۱۳). با توجه به توضیحات فوق هدف کلی این پژوهش عبارت است از رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزندپروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی.

روش شناسی

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانش‌آموزان دبستانی دختر و پسر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در شهر تهران است. حجم جامعه ۲۴۲۲۱۰۵ نفر از دانش‌آموزان است، که از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. در مطالعات همبستگی برای تعیین حداقل حجم نمونه موردنیاز از فرمول پلنت (۲۰۰) استفاده می‌کنند. ابتدا شهر تهران به ۴ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب تقسیم شد و از هر منطقه پنج مدرسه (۵۰ نفر) و سپس از هر مدرسه ۵ نفر انتخاب شد.

1 Sukhodolsky
2 Kassinove
3 Gorman
4 Goodwin
5 Pacey
6 Grace
7 Heml

ابزارهای پژوهش: پرسشنامه پنج عاملی شخصیت: پرسشنامه استاندارد شخصیتی کاستا و مک کری (۱۹۹۲) شامل ۶۰ سؤال است. شاخص‌های مورد بررسی شامل پنج عامل شخصیتی روان رنجورجویی^۱ با سؤالات ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱، ۵۶، برون‌گرایی^۲ با سؤالات ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۵۷، گشودگی نسبت به تجربه^۳ با سؤالات ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳، ۵۸، توافق^۴ با سؤالات ۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴، ۵۹ و وظیفه‌شناسی^۵ با سؤالات ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۰ است که هرکدام از طریق ۱۲ گوی، اندازه‌گیری می‌شوند. تمامی گویه‌های این پرسشنامه، به صورت پنج گزینه‌ای طیف لیکرت پاسخ داده می‌شوند و هر گویه، امتیازی بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد. پایایی پرسشنامه به وسیله ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش کاستا و مک کری آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ را نشان داده شده است (کاستا و مک کری، ۲۰۰۲). برای محاسبه پایایی با استفاده از روش ثبات درونی با آلفای کرونباخ، نشان داد که تنها عوامل روان‌رنجورجویی و باوجدان بودن (وظیفه‌شناسی) در تمام آزمودنی‌ها، ثبات درونی قابل قبولی دارند (یعنی بزرگ‌تر از ۰/۷۰) که البته آلفای کرون باخ عوامل برون‌گرایی و مقبولیت (توافق‌پذیری) نیز، از سطح توصیه‌شده برای مقایسه‌های گروهی بالاتر است (یعنی بزرگ‌تر از ۰/۵۰). بنابراین تنها عامل مقبولیت (توافق‌پذیری) فاقد ثبات درونی قابل قبول است (روشن چسلی، شعیری، عطری فرد، نیک‌خواه، قائم‌مقامی و رحیمی راد، ۱۳۸۵). در بررسی همسانی درونی پرسشنامه پنج عاملی با استفاده از آلفای کرونباخ در خارج کشور برای مؤلفه‌های پنج‌گانه ضریب آلفای بین ۰/۷۵ تا ۰/۹۱ به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است (دتریک و چینال^۶، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه بر روی دانشجویان دانشجویان دانشگاه آزاد کرج از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب برای پنج عامل شخصیتی روان رنجورجویی ۰/۵۸۳، برون‌گرایی ۰/۶۶۴، گشودگی نسبت به تجربه ۰/۷۱۰، توافق‌پذیری ۰/۷۵۵ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۲۲ به دست آمد.

پرسشنامه پرخاشگری باس و پری: نسخه جدید پرسشنامه پرخاشگری که نسخه قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصومت بود، توسط باس و پری (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیر مقیاس است، که عبارت است از پرخاشگری بدنی (PA)، پرخاشگری کلامی (VA)، خشم (A)، و خصومت (H)، آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از: کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من

1 neuroticism
2 extraversion
3 agreeableness
4 conscientiousness
5 openness
6 Detrick & Chibnall

است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، تا به شدت شبیه من نیست (۱). دو عبارت ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیرمقیاس‌ها به دست می‌آید. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب باز آزمایی برای چهار زیرمقیاس (بافاصله ۹ هفته) ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیرمقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ بود. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب باز آزمایی برای چهار زیرمقیاس (با فاصله ۹ هفته) ۰/۸۱ تا ۰/۷۲ به دست آمده است. و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمده است.

پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری والدین: پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری توسط باومریند (۱۹۷۲)؛ به نقل از گنجی، رهنمای نمین و پاشا شریفی، (۱۳۹۳) ساخته شده است و شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه و ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شود. شیوه نمره‌گذاری از ۵ تا ۱ بوده و با جمع نمرات مربوط به هر شیوه سه نمره مجزا به دست می‌آید و نمره مربوط به هر شیوه که بیشتر باشد شیوه فرزند پروری در نظر گرفته می‌شود. روایی صوری آن تأیید شد و پایایی آن را با روش باز آزمایی برای شیوه سهلگیرانه ۰/۶۹، مستبدانه ۰/۷۷، و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آورده‌اند (کردنوقایی، سیف و کریمی، ۱۳۸۷). در پژوهش جعفری آذر (۱۳۹۵) روایی و پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. در روایی هم‌زمان ضریب همبستگی بین میانگین ۲۹ سؤال اول و با سؤال ۳۰ مقدار ۰/۸۱ به دست آمد و در بررسی روایی محتوایی ضریب روایی کل سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری ۰/۸۶ محاسبه شد. برای بررسی پایایی آزمون از روش همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرون باخ استفاده شد که ضریب آلفای برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۷۰، مستبدانه ۰/۷۶، و برای شیوه مقتدرانه ۰/۸۳ به دست آمده است.

یافته‌ها

۱۱۱ نفر از شرکت‌کنندگان (۵۵/۵ درصد) دختر و ۹۹ نفر از آنان (۴۴/۵ درصد) پسر، ۹۳ نفر از فرزندان (۴۶/۵ درصد) ۱۰ سال، ۵۹ نفر از آنان (۲۹/۵ درصد) ۱۱ سال و ۴۸ نفر از آنان (۲۴ درصد) ۱۲ سال داشتند.

فرضیه‌های پژوهش به قرار زیر می‌باشند:

فرضیه اول: سبک‌های فرزندپروری (سهل‌گیرانه، دیکتاتور و دموکرات) مادران پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

فرضیه دوم: ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی) مادران

پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
								۱. شخصیت مادر -
								روان‌رنجور
								خویی
								۲. شخصیت مادر -
								برون‌گرایی
								۳. شخصیت مادر -
								گشودگی
								۴. شخصیت مادر -
								توافق‌پذیری
								۵. شخصیت مادر -
								وظیفه‌شناسی
								۶. فرزند پروری -
								سهل‌گیر
								۷. فرزند پروری -
								دیکتاتور
								۸. فرزند پروری -
								دموکرات
								۹. پرخاشگری
								فرزند

*P < 0.05 ، **P < 0.01

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، ویژگی‌های توافقی پذیرایی و برونگرایی مادران به‌صورت منفی و در سطح ۰/۰۱ با پرخاشگری فرزندان همبسته‌اند. صفت روان رنجور خوبی مادران به‌صورت مثبت و در سطح ۰/۰۱ با پرخاشگری فرزندان همبسته بود. همچنین سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه به‌صورت مثبت و سبک فرزند پروری دموکرات به‌صورت منفی با پرخاشگری فرزندان همبسته بود.

جدول ۲. رگرسیون چند متغیری سلسله‌مراتبی در پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان بر اساس سبک‌های فرزند پروری و ویژگی‌های شخصیتی مادران

متغیرهای	b	SE	β	t	سطح معناداری
گام اول (فرزند پروری)					
سهل‌گیر	۰/۴۳۰	۰/۱۲۰	۰/۲۶۱	۳/۵۸۶	۰/۰۰۱
دیکتاتور	۰/۰۰۴	۰/۱۲۸	۰/۰۰۳	۰/۰۳۳	۰/۹۷۴
دموکرات	-۰/۴۸۷	۰/۱۲۵	-۰/۲۸۳	-۳/۹۰۲	۰/۰۰۱
$F(۳, ۱۹۶) = ۱۲/۰۱۸, P < ۰/۰۰۱$			$R^2 = ۰/۱۵۵$ و $adjR^2 = ۰/۱۴۲$		
گام دوم (ویژگی‌های شخصیتی)					
روان رنجور خوبی	۰/۵۰۹	۰/۱۱۷	۰/۲۸۴	۴/۳۴۹	۰/۰۰۱
برونگرایی	-۰/۵۱۲	۰/۱۰۷	-۰/۳۴۳	-۴/۷۸۳	۰/۰۰۱
گشودگی	۰/۰۷۸	۰/۱۱۵	۰/۰۴۱	۰/۶۶۴	۰/۵۰۷
توافق پذیری	-۰/۳۶۱	۰/۰۹۸	-۰/۲۴۱	-۳/۶۷۱	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	۰/۰۹۹	۰/۱۰۳	۰/۰۶۷	۰/۹۶۰	۰/۳۳۸
$F(۸, ۱۹۱) = ۱۱/۴۸۹, P < ۰/۰۰۱$			$R^2 = ۰/۳۲۵$ و $adjR^2 = ۰/۲۹۷$		
$\Delta R^2 = ۰/۱۹۱$ و $\Delta F = ۹/۵۹۲, P = ۰/۰۰۱$					

جدول (۲) نشان می‌دهد، سبک‌های فرزند پروری که در گام اول وارد معادله پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان شد، در سطح معناداری ۰/۰۱ آن را پیش‌بینی نمود ($F(۳, ۱۹۶) = ۱۲/۰۱۸, p < ۰/۰۰۱$). بررسی مجذور همبستگی چندگانه به‌دست‌آمده نشان داد که ارزش ضریب همبستگی‌های چندگانه (R^2) برابر با ۰/۱۵۵ است. این موضوع نشان می‌دهد که سبک‌های فرزند پروری مادران ۱۵/۵ درصد از واریانس پرخاشگری فرزندان را تبیین نموده است. بررسی ضرایب رگرسیون نشان داد که از بین سبک‌های فرزند پروری، ضرایب رگرسیون مربوط به سبک سهل‌گیرانه (۰/۰۱) $p < ۰/۲۶۱, \beta = ۰/۲۶۱$ و سبک دموکرات ($p < ۰/۰۰۱, \beta = -۰/۲۸۳$) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بدین ترتیب در آزمون فرضیه اول چنین نتیجه‌گیری شد که از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل‌گیرانه به‌صورت مثبت و سبک دموکرات به‌صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

بر اساس نتایج جدول (۲)، با ورود ویژگی‌های شخصیتی مادران به معادله پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان در گام دوم، ارزش R^2 به ۰/۳۲۵ رسید. این یافته بدان معناست که ورود ویژگی‌های شخصیتی مادران به معادله پیش‌بینی، باعث شده تا ۳۲/۵ درصد از واریانس پرخاشگری فرزندان تبیین شود. ارزش تغییرات R^2 (ΔR^2) برابر با ۰/۱۹۱ بود. این یافته بدان معناست که با ورود ویژگی‌های شخصیتی مادران در معادله پیش‌بینی و با کنترل اثر سبک‌های فرزند پروری، مقدار واریانس تبیین شده پرخاشگری فرزندان ۱۹/۱ درصد افزایش یافته است که به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($\Delta F=9/592, P<0/01$). بررسی ضرایب رگرسیون نیز نشان داد که از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران روان رنجور خوبی ($\beta=0/284, p<0/01$) به صورت مثبت، برونگرایی ($\beta=-0/343, p<0/01$) و توافق پذیری ($\beta=0/241, p<0/01$) به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. بدین ترتیب در آزمون فرضیه دوم چنین نتیجه‌گیری شد که از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران، روان رنجور خوبی به صورت مثبت و برونگرایی و توافق پذیری به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل‌گیرانه به صورت مثبت و سبک دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتیجه به دست آمده با تحقیقات، حسینی (۱۳۹۴)، سجادی (۱۳۹۲)، یعقوبی و همکاران (۱۳۹۰)، بلسکی و همکاران (۲۰۱۴)، گانتی و بوری (۲۰۰۸)، ماش و باربر (۲۰۰۸) که نتیجه گرفتند: از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل‌گیرانه به صورت مثبت و سبک دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. پس می‌توان گفت که، هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزند پروری نامیده می‌شود متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و معنوی می‌باشد. والدینی که سبک سهل‌گیرانه دارند، هدایا و مزایا و امتیازات زیادی را بر سر کودک می‌ریزند ولی توجهی به نیازهای اصلی او ندارند. کودک در چنین محیطی کسل و بی‌تفاوت است و ابتکار و خود انگیختگی خود را از دست می‌دهد؛ و به خاطر همین در بسیاری مواقع شروع که ناکام می‌شود و باید به دنبال حل مشکل خودش باشد شروع به پرخاشگری می‌کند. از نظر اریکسون، هدف عمده فرزند پروری والدین باید پرورش خودمختاری کودک باشد ولی در سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه این مهم از کودک گرفته می‌شود و کودک لوس و کسل و بی‌تفاوت نسبت به همه چیز

می‌باشد. همچنین در این فرضیه تعیین شد که سبک فرزند پروری دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این می‌توان نوشت که در سبک دموکراتیک، والدین در این سبک منحصر به فرد بودن کودک را قبول دارند. احساس عمیق احترام و مساوات را به او عرضه می‌کنند. کودک را تشویق می‌کنند که خطای خود را تصحیح کرده و توانایی‌های خود را گسترش دهد، کودک را راهنمایی می‌کنند تا اهمیت همکاری را دریابد. چنین کودکانی با سبک فرزند پروری به ندرت پرخاشگری می‌کنند؛ و همچنین با توجه به نتایج تعیین شد که از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران، روان رنجور خوبی به صورت مثبت و برون‌گرایی و توافق‌پذیری به صورت منفی و معنادار پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتیجه به دست آمده با تحقیقات، مسعودیان (۱۳۹۴)، مظفری (۱۳۸۹)، هوانگ (۲۰۱۵)، یولاک و همکاران (۲۰۱۴)، ویدزو همکاران (۲۰۱۳)، رات و همکاران (۲۰۱۲) که نتیجه گرفتند که از بین صفات شخصیت مادران، روان رنجور خوبی به صورت مثبت و برون‌گرایی و توافق‌پذیری به صورت منفی و معنادار پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. پس می‌توان گفت که، روان رنجور خوبی به توانایی فرد در تحمل استرس و به شدت تعلق فرد به یک گروه خاص و تعصب داشتن در این امر که به خشم، کینه و رفتارهای تکانشی و آسیب‌پذیری از استرس مربوط است و شامل نگرش‌های ضداجتماعی، رفتارهای بزهکارانه، قانون‌شکنی، تعارضات خانوادگی و زناشویی، بی‌اعتنایی به دیگران، نداشتن بلوغ شخصیتی، تأکید اغراق‌آمیز بر ویژگی‌های مردانه، خصومت و عصبانیت، بی‌مسئولیتی، روابط اجتماعی سطحی، خودمحوری و نزاع با مقامات قانونی است. پس می‌توان نتیجه گرفت که مادران دارای چنین صفات شخصیتی، نمی‌توانند با فرزندان خود ارتباط منطقی برقرار کنند و با طبع فرزندان آن‌ها آسیب اساسی خواهند دید؛ و در برابر ناکامی‌ها و مشکلات زندگی و اجتماعی دچار پرخاشگری خواهند شد.

همچنین نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. ویژگی برون‌گرایی خواهان هیجان‌های مثبت چون لذت، شادی و عشق هستند. برون‌گرایی به خوشه‌ای از صفات اطلاق می‌شود و آن درجه‌ای است که شخص، پارانرژی، معاشرتی، جسور، فعال، هیجان‌طلب و دارای شور و شوق، دارای اعتماد به نفس و احساسات مثبت است. افراد برون‌گرا به اجتماعی بودن، احساسی بودن و صمیمی بودن تمایل دارند و معمولاً با افراد متفاوت بهتر کنار می‌آیند و همچنین بهترین و منطقی‌ترین رابطه ممکن را با فرزندان خود برقرار می‌کنند و به احتمال زیاد همین باعث می‌شود که فرزندان آن‌ها پرخاشگری کمتری داشته باشند. برون‌گراها با فرزندان خود گرم و صمیمی هستند.

محدودیت نوع پژوهش که به صورت مقطعی انجام شده محدودیت‌هایی را در زمینه تفسیرها و اسناد علت شناسی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کنند که باید در نظر گرفته شوند. پژوهش فقط محدود به دانش آموزان شهر تهران هست،

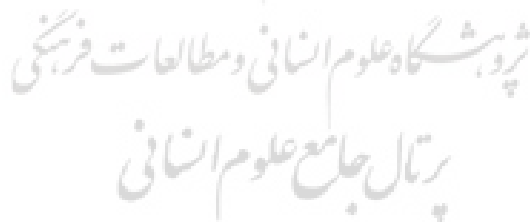
بنابراین تعمیم آن به دانش‌آموزان سایر شهرها و جوامع دیگر با مشکل مواجه است. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی مشابه با این طرح پژوهشی، در مورد دانش‌آموزان سایر شهرها و مقطع‌های تحصیلی و اقشار دیگر به‌غیر از دانش‌آموزان و در نقاط دیگر کشور نیز صورت گیرد. میزان پرخاشگری در دانش‌آموزان را، با متغیرهای دیگری به‌غیر از ویژگی‌های شخصیتی والدین و سبک‌های فرزند پروری، نظیر ذهن آگاهی، بهداشت روان، سلامت عمومی، سلامت روان، شادکامی، تاب‌آوری، رضایت از زندگی، جهت‌گیری زندگی و جز آن، موردسنجش و آزمون قرار گیرد. توجه به نقش سبک‌های فرزند پروری و ویژگی‌های شخصیتی والدین، در پرخاشگری دانش‌آموزان، لازم است تا با آموزش‌های لازم به والدین، شرایطی فراهم نمود که آن‌ها بیشتر از پیش به سبک‌های فرزند پروری و شخصیت خودشان در ارتباط با کودکان خود اهمیت دهند. با توجه به نتیجه پژوهش حاضر که نشان داد سبک‌های فرزند پروری و ویژگی‌های شخصیتی والدین روی پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیر دارد، لذا لازم است تا برای والدین دانش‌آموزان، کارگاه‌های سبک‌های فرزند پروری برگزار شود. باید والدین را با آموزش‌های لازم، مهارت‌های فرزند پروری آشنا نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- شریعتمداری، هدایت الله. (۱۳۸۰). روان‌شناسی اجتماعی (چاپ اول). تهران. آوای نور.
- همتی، آزاده. (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و دشواری‌های تنظیم هیجانی با هویت ورزشی در ورزشکاران شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- Buss, A. H. & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 452-459.
- Chirstopher A. Magee and Patrick C.L. Heaven. (2011). "Big – five personality factors, obesity and 2 year weight gain Australian adults". *Journal of research in personality*. Vol. 45, Issue 3, PP. 332-335.
- Costa, P. T. Mccare, R. R. (2002). Pesined to mmeasure five majore deminsions or domainsof normal adult personality. *Psychology assessment resource.inc*.
- Dahlberg, L. (1998). "Youth Violence in the United States: Major Trends, Risk Factors and Approaches", *American Journal of Preventive Medicine*, No. 14.



Relationship between personality traits and motherhood parenting styles with aggression among primary school children

Zahra Mortazavi¹

Mojtaba Amiri Majd^{*2}

Abstract

The aim of the present study was to investigate the relationship between personality traits and parenting styles in aged children. The research method was descriptive correlational. The statistical population of this study was all female and male students in the school year of 2012-2013. The sample consisted of 200 students from Tehran who were selected by cluster sampling. The research instruments were Neo-Personality Inventory (NEO-ffi-60), McCrae and Costa (1987), Bummind's Childbirth Practice Questionnaire (1972) and Bass and Perry's (1992) Aggression Questionnaire. Pearson correlation coefficient and multivariate regression using hierarchical approach were used to analyze the data. The results indicated that positive parenting style and child-friendly styles predict negative aggression among primary school children. Also, among the characteristics of the mothers' personalities, the neuroticism is positive and extroversion and negative agreement predicts the aggression of primary school children.

Keywords : Personality traits, Child-friendly styles , Aggression

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 MSc Clinical Psychology, Islamic Azad University, Boyin Zahra Unit, Department of Psychology, Bouinizhra, Iran.

2* Associate Professor, Islamic Azad University, Abhar Unit, Department of Psychology, Abhar, Iran. Corresponding author: Amirimajd@abhariau.ac.ir